

مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی «انفسنا» در آیه مباحله از دیدگاه

شیعه و سنی

محمدرضا پیری*

محمدابراهیم ایزدخواه**

چکیده

مفسران شیعی و بسیاری از مفسران اهل سنت، در تفسیر آیه مباحله، امام علی علیه السلام را نفس پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده‌اند. البتّه این که امام علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ به معنای حقیقی عینیت ذاتی دو نفس نیست، بلکه مراد از نفسیت امام علی علیه السلام، مساوات آن حضرت با پیامبر در فضائل و کمالات است. از این تساوی، عصمت امام علی علیه السلام نیز استفاده می‌شود. به زعم برخی از علمای اهل سنت در تفسیر آیه، واژه «انفسنا» به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله منحصر است و شامل امام علی علیه السلام نخواهد شد. نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی، بعد از نقد این دیدگاه، نظریه اطلاق «انفسنا» نسبت به امام علی علیه السلام را اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: مباحله، انفسنا، امام علی علیه السلام، عصمت، ولایت، خلافت.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف دانشگاه قم؛ piry13@yahoo.com

** . استادیار و هیئت علمی گروه معارف دانشگاه قم؛ dr.izadkhah@yahoo.com

مقدمه

شیعیان، بر اساس دلایل گوناگون عقلی، قرآنی، روایی و تاریخی، معتقدند که امام علی علیه السلام وصی و خلیفه بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و حوادث بعد از رحلت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و خلافت سه تن از صحابه، هرگز به این جایگاه ایشان خدشه‌ای وارد نمی‌کند. یکی از دلایل روشن، بر وصایت امام علی علیه السلام «آیه مباهله» است. جریان «مباهله» زمانی مطرح شد که گروهی از مسیحیان نجران، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و خواهان مباحثه و مناظره در زمینه حقانیت دین اسلام شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان مجامع کرد و آن چه آنان از استدلال و استناد طلب کردند، پیامبر ارائه کردند اما آنان مجاب نشده و حقانیت ادعای پیامبر صلی الله علیه و آله را باور نکردند. در آن زمان رسم بر این بود که اگر دو نفر یا دو گروه بر سر مسئله‌ای اختلاف دیدگاه داشتند و نمی‌توانستند یکدیگر را قانع و حقانیت خود را اثبات کنند، بر اساس تشریفات، همدیگر را «نفرین» می‌کردند؛ پس از نفرین، هر فرد یا گروهی که بر حق نبود، مورد عذاب خداوند قرار می‌گرفت و حقانیت فرد یا گروه دیگر به اثبات می‌رسید. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را به مباهله فراخواند (حاکم نیشابوری، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۵۰ و ابن کثیر، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۷۱). پس از این واقعه بود که آیه مباهله نازل شد. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران: ۶۱).

استدلال به این آیه برای اثبات عصمت، وصایت و خلافت امام علی علیه السلام به عبارت «و انفسنا و انفسکم» باز می‌گردد که خداوند امام علی علیه السلام را «نفس پیامبر صلی الله علیه و آله» عنوان کرده است. بنابر دیدگاه بسیاری از اهل سنت، مقصود از «نساءنا»، حضرت فاطمه، مقصود از ابنائنا امام حسن و امام حسین و مقصود از «انفسنا» امام علی علیه السلام است و در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جریان مباهله، امام علی علیه السلام را «نفس خویش» معرفی کرده است. با این توصیف، برخی از علمای اهل سنت تلاش دارند که با نوعی اجتهاد، بگویند که واژه «انفسنا» فقط شامل رسول خدا صلی الله علیه و آله است و این واژه شامل امام علی علیه السلام نمی‌شود. این دسته برای اثبات ادعای خود دلایلی را بیان می‌کنند؛ از قبیل اینکه «انفسنا» به صیغه جمع در آیه ذکر شده؛ در حالی که امام علی علیه السلام یک نفر است





و آن حضرت باید «نفسی» می‌فرمود و دیگر شبهات در مورد این آیه (ابن تیمیه، ۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۲۲-۱۳۰). نگارنده در صدد است که مفهوم «انفسنا» را از لحاظ معنا و مصداق بررسی و مصداق این عبارت از آیه را امام علی علیه السلام عنوان کند و سپس در ادامه شبهات مخالفان، اطلاق «انفسنا» به امام علی علیه السلام را مورد بررسی و نقد قرار دهد. قابل ذکر است که درباره آیه مباهله آثاری نگاشته شده است؛^[۱] ولی مزیت نسبی این پژوهش آن است که این نگارش بر اطلاق واژه «انفسنا» نسبت به امام علی علیه السلام متمرکز است. از سوی دیگر، نگارنده شبهات مربوط به این اطلاق را مورد بررسی و نقد قرار داده است.

«انفسنا» از دیدگاه روایات فریقین

برای فهم دقیق‌تر آیه مباهله باید ضمن بازخوانش روایات فریقین در مورد «انفسنا» و آیه، از درون این روایات، مباحث مربوط به «انفسنا» را در آیه مذکور مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

روایات اهل سنت

رویداد مباهله در کتاب‌های اهل سنت با چندین نقل ذکر شده است:

۱. نقل ابن حجر:

امام علی علیه السلام در روز شورا در جمعی از صحابه، برای اثبات حقایق خود این گونه احتجاج فرمودند: «شما را به خدا قسم می‌دهم، آیا در میان شما کسی هست که به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیش‌تر از من قرابت رجمی داشته باشد و از کسانی باشد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم او را نفس خودش شمرده و فرزندانش را فرزندان خودش و زنان او را زنان خودش عنوان کرده باشد؟!» حاضران گفتند: «خیر، ما کسی را نمی‌شناسیم» (هیثمی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۵۴).

طبق این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام خودش را مصداق «انفسنا» و حسنین علیهم السلام را مصداق «ابناءنا» و فاطمه زهرا علیها السلام را مصداق «نساءنا» معرفی کرده است. اگر اشخاص دیگری نیز می‌توانستند مصداق آیه به حساب آیند، امکان نداشت امام علی علیه السلام بر افضلیت خودش به این آیه استدلال کند. علاوه بر این، در آن مجلس هیچ کس از صحابه به این تفسیر حضرت اعتراض نکرد و این سکوت صحابه، بر تقریر کلام امام علی علیه السلام دلالت دارد (میبدی، ۱۳۹۲، ص ۲۸).



۲. نقل حاکم نیشابوری:

حاکم نیشابوری در روایتی دیدگاه ابن عباس را درباره آیه مباهله این گونه نقل می کند: «آیه مباهله بر رسول اکرم ﷺ نازل شد؛ درحالی که حضرت علی نفس پیامبر ﷺ بود و «نِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ» در شأن فاطمه زهرا علیها السلام و «أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ» در شأن امام حسن و حسین علیهما السلام نازل شد» (نیشابوری، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۵۰).

۳. نقل حاکم حسکانی:

حاکم حسکانی، کلام ابن عباس را در تفسیر آیه «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» (نساء: ۲۹)؛ این گونه نقل می کند:

«یعنی اهل بیت پیامبران را نکشید؛ زیرا خداوند در شأن و منزلت آن ها می فرماید: «بیباید فرزندانمان و فرزندانتان و زنانمان و زنانتان و نفسمان و نفستان را دعوت کنیم. در این آیه «أَبْنَاءَنَا» امام حسن و حسین علیهما السلام هستند و «نِسَاءَنَا» حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و «أَنْفُسَنَا» پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علی علیه السلام است» (حسکانی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۲).

۴. نقل ابوسعید الخادمی:

خادمی در کتاب «بريقة محمودیة»، هنگام شمارش فضائل امام علی علیه السلام، اولین فضیلت را تعبیر «انفسنا» در آیه مباهله می داند و می گوید: «آیة الْمَبَاهَلَةِ (نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ) لِأَنَّ الْمُرَادَ بِالْأَنْفُسِ عَلِيٌّ لِأَنَّ الْأَخْبَارَ الصَّحِيحَةَ أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دَعَا عَلِيًّا إِلَى هَذَا الْمَقَامِ»؛ «در آیه مباهله، مراد از جان پیامبر ﷺ، علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ چون اخبار صحیحی وجود دارند مبنی بر اینکه در مباهله، پیامبر اکرم ﷺ، علی علیه السلام را انتخاب فرمود» (خادمی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۷).

۵. نقل ابونعیم اصفهانی:

ابونعیم اصفهانی در دلائل النبوة از طریق شعبی، دیدگاه صحابه دیگری به نام جابر بن عبدالله انصاری را درباره آیه مباهله نقل می کند که ایشان گفته است: «مصدق «أَنْفُسَنَا» پیامبر اکرم و علی علیهما السلام و مصداق «أَبْنَاءَنَا» حسن و حسین علیهما السلام و مصداق «نِسَاءَنَا» فاطمه زهرا علیها السلام است» (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۳).

۶. نقل بیهقی:

بیهقی طبق روایتی می‌نویسد: «محمد بن عائشه در بصره مجلسی بر پا کرد. در آن جمع، شخصی که در وسط حلقه نشسته بود، برخاست و گفت: ای اباعبدالرحمن! افضل اصحاب پیامبر ﷺ کیست؟ او در جواب گفت: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه، زبیر، سعد، سعید، عبدالرحمن بن عوف، ابوعبیده بن جراح. آن شخص در جواب گفت: پس علی چطور؟ او گفت: تو از من درباره صحابه پیامبر پرسیدی یا از نفس پیامبر؟ او گفت: از صحابه پرسیدم. آن شخص در جوابش گفت: خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ﴾. پس بدان هیچ وقت اصحاب شخص مانند خود شخص نمی‌شود» (بیهقی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۸).

۷. نقل اندلسی:

اندلسی در تفسیر البحر المحیط می‌نویسد: «مراد از «ابناء» حسنین و منظور از «نساء» فاطمه و منظور از «انفس» علی است» سپس نویسنده این تفسیر چنین اذعان داشته است: «در صحیح مسلم آمده است که ابی‌وقاص می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد، پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام را دعوت کرد و گفت: خدایا! اینان اهل بیت علیهم‌السلام من هستند» (اندلسی، ابوحیان، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۱۸۸).

روایات شیعه

علمای شیعه همچون علمای اهل سنت، بر اساس روایات، مصداق «انفسنا» را امام علی علیه‌السلام بر شمرده‌اند که ذیلاً به برخی از این استنادات روایی پرداخته می‌شود: شیخ مفید رحمته‌الله روایاتی نقل می‌کند در مورد مناظره امام رضا علیه‌السلام، با مأمون عباسی که در آن‌ها مأمون مدعی بود «انفسنا» در آیه مباهله مختص شخص پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. امام رضا علیه‌السلام با استدلال خود این ادعا را باطل می‌داند. مشروح مناظره بدین صورت است که روزی مأمون به امام رضا علیه‌السلام گفت: بزرگ‌ترین فضیلت امام علی علیه‌السلام را که قرآن بر آن دلالت دارد به من بگو. امام رضا علیه‌السلام فرمودند: فضیلت او در مباهله است و سپس آیه مباهله را قرائت نمود و فرمودند: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، امام حسن و امام حسین را دعوت کرد که پسرانش بودند و حضرت فاطمه علیها‌السلام را دعوت کرد که در این‌جا مصداق کلمه زنان است و امام علی علیه‌السلام را دعوت کرد که به حکم خداوند





عزوجل، نفس [=جان] پیامبر ﷺ است. هیچ آفریده‌ای از پیامبر برتر نیست. پس به حکم خداوند، بایستی کسی از نفس [=جان] پیامبر برتر نباشد.

سخن امام ﷺ که به این جا رسید، مأمون گفت: خداوند «فرزندان» را به لفظ جمع آورده است؛ در حالی که پیامبر فقط دو پسرش را آورده بود؛ زنان نیز به لفظ جمع آمده است، در حالی که پیامبر فقط دخترش را آورده بود. پس چرا نگوییم که دعوت از «نفس» [=جان] نیز در حقیقت، مرادش خود پیامبر باشد که در این صورت، فضیلتی را که برای امیرالمؤمنین ﷺ بیان کردی، ساقط می‌شود؟ امام رضا ﷺ در پاسخ فرمود: آنچه گفتمی درست نیست؛ زیرا دعوت کننده، کسی غیر از خودش را دعوت می‌کند؛ چنان که امر، به غیر خودش دستور می‌دهد و درست نیست که کسی خودش را حقیقتاً دعوت کند؛ چنان که کسی حقیقتاً نمی‌تواند به خودش دستور دهد و از آن جا که رسول خدا ﷺ مردی را در مباحله غیر از امیرالمؤمنین ﷺ دعوت نکرده بود، ثابت می‌شود که وی، نفسی است که مقصود خداوند در کتابش است و حکم آن را در قرآن قرار داده است. پس مأمون با شنیدن این استدلال گفت: با آمدن پاسخ، سؤال، کنده شد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸).

صاحب تفسیر فرات کوفی، روایتی از امام باقر ﷺ درباره آیه مباحله آورده است؛ مبنی بر این که آن حضرت چنین فرموده‌اند: منظور از «پسران ما...» حسن و حسین و منظور از «خودمان...»، پیامبر خدا ﷺ و علی ﷺ و منظور از «زنانمان...»، فاطمه زهرا ﷺ است (فرات الکوفی، ۱۹۹۰ م، ص ۸۵ - ۸۶).

عیاشی در تفسیر خود، ذیل آیه مباحله نقل کرده است که عمر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش (سعد بن ابی وقاص) نقل می‌کند که روزی معاویه به وی گفت: چه چیز مانع می‌شود که ابوتراب [=علی بن ابی طالب] را سب کنی؟ سعد بن وقاص گفت: به خاطر سه خصلتی که در او دیده‌ام و یکی از آنها چنین است: «لما نزلت آیه المباحله (تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...) اخذ رسول الله ﷺ بید علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ قال: هؤلاء اهلی هنگامی که آیه مباحله نازل شد... پیامبر خدا ﷺ دست علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را گرفت و چنین گفت: اینان اهل بیت من هستند.» (عیاشی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۱۷۷).

با توجه به روایات فریقین، که به برخی اشاره شد، اثبات گردید که مصداق انسفا

امام علی علیه السلام است. در ادامه این پژوهش، نکات اثباتی «انفسنا» در مورد آن حضرت مورد غور و بررسی قرار می‌گیرد و سپس شبهات برخی از علمای اهل سنت به این شمول، بررسی و نقد می‌گردد.

مفهوم‌شناسی «انفسنا»

«نفس» در لغت به معنای خویشتن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۷۰). اصلی‌ترین سؤالی که با توجه به مفهوم‌شناسی این واژه مطرح می‌شود، این است که از یک سو طبق روایات اهل سنت مراد از «انفسنا» امام علی علیه السلام است (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۳؛ بیهقی، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۸) و از سوی دیگر «نفس» در این آیه به صورت جمع آمده است و جمع، حکایت از تعدد اشخاص دارد. بر این اساس برخی شبهه کرده‌اند که منظور «انفسنا» شخص امام علی علیه السلام به تنهایی نخواهد بود (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۲۹).

در پاسخ باید چنین اذعان داشت که اولاً: در قرآن آیاتی یافت می‌شوند که به صیغه جمع نازل شده و حال آن که در شأن یک شخص و فردی مشخص است. برای نمونه به چند آیه می‌توان اشاره کرد:

الف) آیه ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخِشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳)؛ «این‌ها [=مومنان واقعی] کسانی بودند که [بعضی از] مردم به آنان گفتند: مردم [=لشکر دشمن] برای [حمله به] شما اجتماع کرده‌اند. از آن‌ها بترسید؛ اما این سخن بر ایمان آن‌ها افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و او بهترین حامی ماست. (آل عمران: ۱۷۳). بر اساس دیدگاه عده‌ای از مفسران، قائل این سخن، نعیم بن مسعود الاشجعی (یک نفر) بوده که وی به دستور ابوسفیان، قصد ترساندن مسلمانان را از مشرکان داشت (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۳۸۹).

ب) آیه ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ﴾ (آل عمران: ۱۸۱)؛ «خداوند گفتار کسانی را که گفتند: خدا فقیر است و ما بی‌نیازیم شنید». منظور از «الذین» در آیه، طبق تصریح جمعی از مفسران، حی بن اخطب یا فنحاص (یک نفر) است (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۸۲۹).





ج) آیه ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ﴾ (نحل: ۱۲۰)؛ «همانا ابراهیم [خلیل] امتی مطیع و فرمانبردار و یکتاپرست بود». در این جا کلمه «امت» که اسم جمع است که بر فرد اطلاق شده است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۷۶).

د) آیه ﴿الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنكُم مِّن نِّسَابِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ﴾ (مجادله: ۲)؛ «از میان شما کسانی که زانیشان را ظهار می کنند [و می گویند: پشت تو چون پشت مادر من است]. آنان مادرانشان نیستند؛ مادران آنها تنها کسانی اند که ایشان را زاده اند و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل می گویند؛ و [لی] خدا مسلماً درگذرنده آمرزنده است». در این آیه با آن که فرد معینی زن خود را ظهار کرده و آیه در شأن او نازل شده است؛ آیه به صورت جمع می باشد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۶۷).

بر این اساس آیات فراوانی در قرآن وجود دارند که با این که شأن نزول آن شخص خاصی است؛ اما آیه در قالب جمع نازل شده است. آیه مباهله را نیز با توجه به شأن نزولش از همین دسته از آیات می توان قلمداد کرد.

ثانیاً: روایات بسیاری وجود دارند که در آنها تصریح شده است پیغمبر ﷺ غیر از علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام کسی را به مباهله نبرد و این خود قرینه آشکاری برای تفسیر آیه خواهد بود. از سوی دیگر از جمله قرائنی که آیات قرآن را تفسیر می کند، سنت و شأن نزول قطعی است (قرطبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، مقدمه، ص ۴۳-۴۴)؛ چنان که علامه طباطبایی به این مبنا اذعان کرده است؛ «اگر در یک طایفه دیگر اخبار که آن نیز متواتر است، یعنی اخباری که از هر دو طریق از رسول خدا ﷺ رسیده و مردم را در فهم کتاب خدا و معارف اصولی و فروعی دین و بیان حقایق آن، به اهل بیت علیهم السلام ارجاع داده - مانند حدیث ثقلین و حدیث سفینه و امثال آن - دقت کافی به عمل آوریم؛ هیچ شکی برایمان باقی نمی ماند که منظور از واجب کردن مودت اهل بیت علیهم السلام و آن را به عنوان اجر رسالت قرار دادن، تنها این بوده که این محبت را وسیله ای قرار دهد برای این که مردم را به ایشان ارجاع دهد و اهل بیت علیهم السلام مرجع علمی مردم قرار گیرند» (ترجمه المیزان، ج ۱۸، ص ۶۵). ایشان در مورد دیگر به صراحت می فرماید «أن تفسیر الكتاب العزیز بغیر الكتاب و السنة القطعیة من التفسیر

بالرأى الممنوع فى الكتاب و السنة» (طباطبایى، المیزان، ج ۱۴، ص ۱۳۳).
با توجه به استدلال‌هایی که گذشت، نزول جمعی «انفسنا» نسبت به شخص امام
علی علیه السلام بدون اشکال خواهد بود.

دلالت نفس بر عصمت

همان‌گونه که گذشت، براساس روایات، بسیاری از اهل سنت بر این باورند که مقصود
از انفسنا در آیه مباهله، امام علی علیه السلام است و این آیه با اثبات نفسیت امام علی علیه السلام،
سند روشن و قوی بر عصمت امام علی علیه السلام است؛ زیرا معنا ندارد شخص غیر معصوم
به‌عنوان نفس معصوم معرفی شود. از آن جا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، معصوم است، استناد
انفسی امام علی علیه السلام، به پیامبر صلی الله علیه و آله به عصمت این امام را اثبات می‌کند. این تفسیر هم
با معنای لغوی کلمه همخوان است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۲۷۰) و هم با روایات
پر شمار اهل سنت تأیید می‌شود. با این حال، عده‌ای برای نپذیرفتن عصمت امام
علی علیه السلام از طریق آیه مباهله، می‌گویند که مراد از «انفسنا» شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است،
نه امام علی علیه السلام. به زعم آنان تعبیر فراخواندن نفس (آوردن خود) در بین عرب از
قدیم معمول بوده و همواره در کلام‌شان به کار رفته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷،
ص ۱۲۹).

در پاسخ این ادعا باید چنین نگاشت که اولاً؛ چنان که گذشت، بسیاری از علمای
اهل سنت، ذیل آیه مباهله معتقدند که مراد از «أَنْفُسَنَا» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام
علی علیه السلام است؛ چنان که حاکم نیشابوری به سند صحیح به نقل از جابر بن عبدالله
انصاری، قصه ورود عاتب و سید و شرفیاب شدن به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله را نقل کرده
و سپس به نقل از جابر چنین می‌گوید: و در حق آنها نازل شد: «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا
وَ أَبْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَ أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهَلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ» مراد از «أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» رسول خدا و علی علیه السلام است و مراد از «أَبْنَاءَنَا»
حسن و حسین است و مقصود از «نِسَاءَنَا» فاطمه است (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲،
ص ۲۳۰ - ۲۳۱ و آجری، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۲۰). براساس آنچه تبیین شد، عدم
اطلاق «انفسنا» نسبت به امام علی علیه السلام، نوعی اجتهاد در برابر نص محسوب می‌شود؛
زیرا طبق این روایت امام علی علیه السلام، نفس پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده است.





ثانیاً: چنان که برخی از علمای اهل سنت تصریح کرده‌اند، تفسیر مذکور (مراد از أَنْفُسَنَا شخص پیامبر باشد) از لحاظ ادبی هم دارای اشکال است؛ چراکه عرفاً مقبول نیست انسان خودش را دعوت کند و بگوید: من، خودم می‌آیم، ولی بعداً دیگری را همراه بیاورد. از طرفی دیگر، اگر مقصود شخص پیامبر بود، به جای «انفسنا» واژه «نفسی» باید در آیه ذکر می‌شد؛ در حالی که ضمیر در آیه به صورت متکلم مع الغیر ذکر شده است؛ مگر این که چنین معنایی مجازاً در نظر گرفته شود و روشن است که همیشه اصل بر معنای حقیقی است تا آن که خلاف آن با قرینه، اثبات شود و در این جا قرینه‌ای بر معنای مجازی وجود ندارد (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۶۳۴).

ثالثاً: این احتمال که انفسنا فقط شامل پیامبر اسلام ﷺ باشد، درست تلقی گردد؛ لازمه‌اش آن است که تعبیر «أَنْفُسَنَا وَ أَنْفُسَكُمْ» زائد و حشو باشد؛ زیرا حضور شخص پیامبر در جریان مباحثه با جمله «تَعَالَوْا نَدْعُ» بیان شده است.

براساس روایات فریقین و تحلیل‌هایی که گذشت، منظور از «أَنْفُسَنَا» در آیه مباحثه، پیامبر اسلام ﷺ و امام علی ﷺ است و هر تفسیر دیگری، خلاف مدلول روایات و حتی قواعد ادبی و بلاغی می‌باشد. براین اساس، وقتی اثبات گردید که امام علی ﷺ نفس پیامبر ﷺ است، از این تساوی نفسانیت، عصمت امام علی ﷺ اثبات می‌شود؛ زیرا پیامبر اسلام ﷺ انسان معمولی نبوده و دارای مقام عصمت الهی است و لذا هر شخصی لیاقت ندارد که نفس پیامبر شمرده شود؛ مگر این که آن شخص هم به‌مثابه پیامبر اسلام ﷺ، دارای مقام عصمت باشد.

تساوی در همه فضائل و کمالات

واضح است که مراد از اطلاق «نفس» به امام علی ﷺ، به معنای عینیت حقیقی ذاتی امام علی ﷺ و پیامبر نیست؛ زیرا چنین امری محال و ناممکن است و مستلزم شبهه اتحاد وجودی دو نفر می‌شود، لذا معنای لطیف دیگری در این جا مورد نظر است.

برخی از علمای اهل سنت، بر این باورند که اگر بر فرض بتوان پذیرفت که منظور از «أَنْفُسَنَا» امام علی ﷺ است؛ آن گاه نمی‌توان گفت که امام علی ﷺ ذات و عین پیامبر است؛ زیرا واژه نفس به معنای قریب و شریک در ملت و دین، بسیار زیاد به کار رفته است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است ﴿لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ



الْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِنَّ خَيْرًا (نور: ۱۲)؛ «چرا هنگامی که آن نسبت ناروا را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود [=کسی که همچون خود آنها بود] گمان خیر نبردند؟!» با توجه به این مطلب، چون امام علی علیه السلام در نسب، دین و ملت با پیامبر برابر بود، تعبیر «أَنْفُسَنَا» به کار رفته است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۲۴-۱۲۵).

این اشکال را چنین می‌توان پاسخ داد که اگر پذیرفته شود منظور و معنای «نفس» این بوده که امام علی علیه السلام در دین و نسب یا سبب شریک پیامبر است؛ این پرسش می‌تواند مطرح گردد که چرا پیامبر عمویش، عباس یا ابوبکر و عمر و دیگران را برای مباهله دعوت نکرده است؟! با این که آنان نیز در دین و نسب یا سبب شریک پیامبر بودند! آیا این اقدام پیامبر که امام علی علیه السلام را از میان همه یارانش انتخاب کرد، دلیل بر افضلیت امام علی علیه السلام بر سایر اصحاب پیامبر نخواهد بود؟ از سوی دیگر اطلاق «انفسنا» نیز بر عمومیت در تساوی میان فضایل طرفین دلالت دارد، مگر این که دلیل خاصی عمومیت آن را القا کند. در نتیجه باید پذیرفت که معنای «أَنْفُسَنَا» در آیه، مساوات در فضائل و کمالات است و اگر چنین نباشد و مراد صرفاً همسانی در دین، نسب و ملت باشد، عمل پیامبر صلی الله علیه و آله (آوردن امام علی علیه السلام و وانهادن عمو و دیگر یارانش) یا ترجیح مرجوح بر راجح و یا ترجیح بلامرجح خواهد بود که هر دو از پیامبر قبیح است! از این استدلال چنین برداشت می‌شود که در امام علی علیه السلام خصوصیت منحصر به فردی وجود داشته که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان «خویشتن»، معرفی شده است و آن خصوصیت، همان عصمت و امامت بلافصل امام علی علیه السلام است.

برخی علمای اهل سنت چنین برداشت کرده‌اند که اگر امام علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در تمام صفات مساوی باشد؛ پس علی علیه السلام هم باید دارای مقام نبوت باشد و اگر مراد، مساوات او با پیامبر در بعضی از صفات است - نه در همه صفات - پس نمی‌توان از آن بر استحقاق خلافت او استدلال کرد؛ زیرا مساوات امام علی علیه السلام در بعضی از اوصاف با پیامبر صلی الله علیه و آله نمی‌تواند ایشان را بر تمام افراد، افضل و ارجح کند (ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۱۲۶).

در پاسخ به این استدلال باید چنین گفت:

اولاً: اطلاق «انفسنا» در آیه بر همه مراتب فضیلتی اشخاص با یکدیگر دلالت دارد؛ مگر این که در قرینه متصل یا منفصل دیگری، مواردی از این اطلاق خارج



شوند، چنان که حدیث منزلت نیز این ادعا را تأیید می‌کند: «یا علی أنت منی بمنزلة هارون من موسى، الا انه لانی ببعدي» (صحیح البخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۹).

ثانیاً: در صورت متشابه دانستن دلالت «انفسنا» به عینیت در صفات، با مراجعه به دلایل محکم، این تشابه برطرف می‌گردد؛ چنان که در روایات دیگر به این عینیت اشاره شده است: بخاری در صحیح خود آورده است: «پیامبر فرمود: ای علی! تو از من هستی و من از توام!» (بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۱۳۵). در همان کتاب آمده است که پیامبر ﷺ به امام علی علیه السلام فرمود: «تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی هستی؛ جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود!» (همان، ج ۴، ص ۱۶۰۲)؛ از تشابه حضرت علی علیه السلام به حضرت هارون چندین نکته استفاده می‌شود:

هارون دومین شخصیت بعد از موسی در میان بنی اسرائیل بود؛ علی هم در میان امت پیامبر ﷺ چنین بود (میرحامد حسین، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۶ - ۸۸).

هارون برترین فرد قوم موسی نزد خدا و پیامبرش بود؛ علی نیز چنین بود (همان). هارون عالم‌ترین فرد قوم موسی بود؛ علی هم به تصریح پیامبر ﷺ عالم‌ترین فرد بعد از پیامبر ﷺ بود (همان، ص ۱۱۳ - ۱۲۹).

اطاعت از هارون بر یوشع بن نون (وصی موسی) و امت موسی واجب بود؛ اطاعت از علی نیز با فرض وصایت ابوبکر، عمر، عثمان یا هر فرد دیگری، بر آنها واجب بود (همان، ص ۸۸ - ۹۳).

هارون از خطا و نسیان معصوم بود؛ علی نیز چنین بود (همان، ص ۱۰۰ - ۱۰۴). براساس این حدیث، امام علی علیه السلام تمام کمالات پیامبر اسلام ﷺ، داراست؛ مگر نبوت را.

علاوه بر آن، بعضی از علمای اهل سنت، به این حقیقت تصریح کرده‌اند که امام علی علیه السلام در تمام کمالات، مگر مقام نبوت، با پیامبر برابر است. قاضی ایجی می‌گوید: «مراد از «أنفسنا» خود پیامبر نیست؛ زیرا انسان خودش را دعوت نمی‌کند؛ بلکه مراد از آن، امام علی علیه السلام است و اخبار صحیح و روایات ثابت شده نزد اهل نقل، دلالت دارد که پیامبر ﷺ، امام علی علیه السلام را برای این مقام دعوت کرد و یقیناً نفس علی همان نفس محمد، حقیقتاً نیست؛ بلکه مراد، مساوات آن دو در فضل و کمال است و تنها نبوت استثنا می‌شود و کلمه «أنفسنا» در باقی کمالات حجت است. پس امام علی با

پیامبر ﷺ در هر فضیلتی، جز نبوت، مساوی است؛ در نتیجه امام علی ﷺ افضل امت است» (ایچی، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۶۲۴).

دلالت نفس بر وصایت و خلافت

یکی از دلایل امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین ﷺ، نزول آیه مباهله در شأن آن حضرت است. امام رضا ﷺ این آیه شریفه را از جهت دلالت بر امامت حضرت امیرالمؤمنین ﷺ بهترین و روشن‌ترین آیه در قرآن معرفی کرده و عالمان شیعه نیز به پیروی از امام خویش، برای اثبات امامت و خلافت بلافصل امیرالمؤمنین ﷺ به این آیه استدلال می‌کنند. سیدمرتضی در کتاب «الفصول المختارة من العیون و المحاسن» روایت استناد امام رضا ﷺ به آیه مباهله را به نقل از شیخ مفید آورده است (علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۸).

بر اساس این روایت شریف، حضرت امام رضا ﷺ با استناد به آیه شریفه مباهله و عمل رسول خدا پس از نزول آن، اثبات می‌کند که امیرالمؤمنین ﷺ، نفس پیامبر و با فضیلت‌ترین خلق خدا پس از رسول خدا است و بدین صورت، وجه دلالت آیه مباهله را بر امامت و خلافت بلافصل امام علی ﷺ بیان می‌فرماید.

شیخ مفید، پس از بیان داستان مباهله، به منزله نفس رسول‌الله بودن امام علی ﷺ را نشانه نهایت فضیلت امام و مساوات ایشان با پیامبر در کمالات و عصمت دانسته و عنوان می‌کند که خداوند امیرالمؤمنین و همسر و فرزندانش ﷺ را حجت پیامبر و برهان دینش قرار داده است و این فضیلتی است که احدی از این امت در آن با ایشان مشارکت ندارد (مفید، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۶۹).

شیخ طوسی، آیه مباهله را یکی از شواهدی می‌داند که با آن بر فضیلت امام علی ﷺ استدلال می‌شود (طوسی، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۶ - ۷).

مجموع استدلال عالمان شیعه این‌گونه است که با توجه به اثبات اطلاق «انفسنا» به امام علی ﷺ، آن حضرت در تمام کمالات - به‌جز از نبوت - با پیامبر اسلام ﷺ مشارکت دارد و همسنگ است، یکی از شئون پیامبر اسلام ﷺ مسئله ولایت ایشان بر مردم است؛ در نتیجه بعد از رحلت رسول خدا، امام علی ﷺ از شأن ولایت نسبت به مردم برخوردار است.



نتیجه‌گیری

بر پایه روایات اهل سنت، تنها مصداق واژه «أَنْفُسَنَا» در آیه مباهله، امام علی علیه السلام است. امام علی علیه السلام نفس پیامبر صلی الله علیه و آله است و از آن جا که اراده معنای حقیقی از لفظ «أَنْفُسَنَا»، محال است؛ مقصود آیه، برابری کامل امام با پیامبر صلی الله علیه و آله در فضیلت‌ها و کمالات است و کسی که با پیامبر برابر باشد، از دیگران هم برتر و برای امامت پس از پیامبر سزاوارتر، بلکه تنها کسی است که برای این مقام سزاوار است. براساس این نگاشته و بر مبنای روایات اهل سنت، که امام علی علیه السلام در تمام شؤون - به جز نبوت - با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همسو و برابر است و در فضائل با پیامبر صلی الله علیه و آله مشارکت دارد.

پی‌نوشت

[۱]. از جمله نگاهی به تفسیر آیه مباهله: پژوهشی در تفسیر و شأن نزول آیه مباهله، آیت‌الله میلانی؛ بررسی تاریخی آیه مباهله و بازتاب‌های کلامی آن، دکتر علی معموری؛ بررسی دیدگاه آلوسی در آیه مباهله از منظر مفسران شیعه، دکتر محسن قاسم پور.



فهرست منابع

- قرآن كريم.
كتاب مقدس؛ عهدعتيق.
١. ابن تيميه، *منهاج السنّة النبويّة*، تحقيق: محمد رشاد سالم، قاهره: مؤسسة قرطبة، ١٤٠٦ق.
 ٢. ابن جوزي، يوسف بن قزاوغلي، *تذكرة الخواص من الأمة في ذكر خصائص الأئمة*، قم: شريف رضى، ١٤٢٦ق.
 ٣. ابن حنبل، احمد بن محمد، *فضائل الصحابه*، تحقيق: وصى الله محمد عباس، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق.
 ٤. ابن عياش السلمى السمرقندى، محمد بن مسعود، *تفسير العياشى*، بيروت: مؤسسة الإعلمى، ١٤١١ق.
 ٥. أجرى بغدادى، محمد بن الحسين بن عبدالله، *الشريعة*، محقق: الدكتور عبدالله بن عمر بن سليمان الدميجى، رياض: دارالوطن، ١٤٢٠ق.
 ٦. اصفهانى، ابونعيم، *دلائل النبوة*، [بى جا]: دارالتقاسم، ١٤١٢ق.
 ٧. أندلسى، أبوحيان، *البحر المحيط*، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ على محمد معوض، لبنان: دارالكتب العلمية، ١٤٢٢ق.
 ٨. ايجى، عضدالدين، *شرح مواقف*، تحقيق: عبدالرحمن عميرة، بيروت: دارالجيل، ١٩٩٧م.
 ٩. بحراني، هاشم بن سليمان، *البرهان فى تفسير القرآن*، بيروت: مؤسسه الاعلمى، ١٩٨٢م.
 ١٠. بخارى، محمد بن اسماعيل، *صحيح بخارى*، بيروت: دار ابن كثير، ١٤٠٧ق.
 ١١. بيهقى، إبراهيم بن محمد، *المحاسن والمسائى*، تحقيق: عدنان على، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٠ق.
 ١٢. حسانى، عبيدالله بن احمد، *شواهد التنزيل لقواعد التفضيل*، قم: دارالهدى، ١٣٨٠.
 ١٣. خادمى، أبوسعيد محمد بن محمد، *بريقة محمودية*، قاهره: مطبعة الحلبي، ١٣٤٨.
 ١٤. دمشقى، إسماعيل بن عمر بن كثير، *تفسير القرآن العظيم*، بيروت: دارالفكر، ١٤١٩ق.
 ١٥. سيوطى، جلال الدين، *الدر المنثور*، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ق.
 ١٦. شيخزاده، محمد بن مصطفى، *حاشيه محيى الدين شيخزاده على تفسير القاضى البيضاوى*، بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤١٩ق.





۱۷. طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۱۸. ———، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۱۹. طوسی، محمدبن حسن، *تلخیص الشافی*، قم: محبین، ۱۳۸۲.
۲۰. عیاشی، ابونصر محمدبن مسعود سمرقندی، *التفسیر*، تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۸۰ق.
۲۱. فرات الکوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، تحقیق: محمدالکاظم تهران: مؤسسه الطبع و النشر لوزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۹۹۰م.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، *العين*، قم: مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ق.
۲۳. قرطبی، ابوعبدالله، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۲۴. مفید، محمدبن محمد، *الارشاد*، تهران: نشر الاسلامیة، ۱۳۷۶.
۲۵. ———، *الفصول المختاره من العیون و المحاسن*، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۲۷. میبیدی، علی ملاموسی، *نقد دیدگاه ابن تیمیة در شأن نزول آیه مباحله*، مجله سراج منیر، شماره ۱۱، ۱۳۹۲.
۲۸. میرحامد حسین، *عبارات الانوار در اثبات امامت ائمه اطهار*، قم: مولانا بروجردی، ۱۴۰۴ق.
۲۹. نیشابوری، ابوعبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
۳۰. نیشابوری، مسلم بن الحجاج أبوالحسین القشیری، *صحیح مسلم*، تحقیق: محمدفؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۳۱. ———، *معرفة علوم الحدیث*، تحقیق: سیدمعظم حسین، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۷ق.
۳۲. هیثمی، ابن حجر، *الصواعق المحرقة*، لبنان: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.